

پیش‌بینی هوش معنوی بر اساس ابعاد سرشت و منش و جهت‌گیری زندگی

حسین زارع

استاد گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، تهران

ظاهره وارسته نویدی^۱

کارشناسی ارشد، گروه روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت

مجید برادران

مربی گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، تهران

چکیده

هدف اصلی این مطالعه، پیش‌بینی هوش معنوی بر اساس ابعاد سرشت و منش و جهت‌گیری زندگی می‌باشد. جامعه آماری مطالعه حاضر را تمامی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ تشکیل می‌دهند که در این راستا ۱۳۰ نفر (۴۳ مرد و ۸۷ زن) با روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند و به پرسشنامه‌های سرشت و منش (کلونینجر، ۱۹۹۴)، آزمون جهت‌گیری زندگی (شیر و کارور، ۱۹۸۵) و پرسشنامه هوش معنوی (کینگ، ۲۰۰۸) پاسخ دادند. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از همبستگی پیرسون و رگرسیون گام‌به‌گام استفاده شده است. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که دو بعد خودفراری و خودراهبردی و نیز جهت‌گیری زندگی، هوش معنوی را در دانشجویان پیش‌بینی می‌نمایند. با توجه به نقش ابعاد سرشت و منش و جهت‌گیری زندگی در پیش‌بینی هوش معنوی، پیشنهاد می‌شود که در برنامه‌های مبتنی بر ارتقای سلامت روان، به این عوامل توجه ویژه شود.

واژه‌های کلیدی: بعد سرشت و منش، خوش‌بینی و هوش معنوی

^۱ نویسنده مسئول

آدرس پست الکترونیکی: ms.varasteh@yahoo.com

آدرس پستی: کرمانشاه، میدان آزادگان، شهرک صدرا، خیابان شکوفه، پشت آتش‌نشانی، قطعه ۲۲۵، کدپستی ۶۷۱۷۸۶۹۳۵۴

وصول: ۱۳۹۴/۰۸/۲۴ - پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۲۵

Prediction of Spiritual Intelligence Based on Temperament, Character and Life Orientation

Zare, H., varasteh navidi, T., Baradaran, M.

(Received: 15 Nov, 2015-Accepted: 14 Jan, 2017)

Abstract

The purpose of this research was to study the prediction of spiritual intelligence based on temperament and character and life orientation. 130 students (87 female and 43 male) were selected using the cluster sampling method from Islamic Azad University of Rasht during the 2015-2016 academic year. The subjects completed the Temperament and Character Inventory (Cloninger, 1994), a life orientation test (Scheier & carver, 1985) and a spiritual intelligence scale (King, 2008). The data were analyzed using correlation and regression analysis. The results showed that dimensions of self-directiveness, self-transcendence and life orientation were predictors of spiritual intelligence in the university students. Regarding the role of temperament and character and life orientation in predicting spiritual intelligence, it is recommended that these factors be taken into consideration in programs designed to promote mental health.

Keywords: Temperament and character, Optimism and spiritual intelligence.

مقدمه

در دو دهه اخیر مبحث روانشناسی دین مورد توجه قرار گرفته است که یک مفهوم مهم در این حوزه، هوش معنوی است. مفهوم هوش معنوی^۱ در ادبیات روانشناسی برای اولین بار در سال ۱۹۹۶ توسط استیونز و در سال ۱۹۹۹ توسط ایمونز مطرح گردید (سهرابی و ناصری، ۱۳۸۹). زوهر و مارشال^۲ (۲۰۰۱) معتقدند که هوش معنوی زاینده بینشی عمیق در وقایع زندگی است و شخص را در برابر حوادث زندگی مقاوم می‌کند. هوش معنوی به دلیل پیوندش با معنا، ارزش و پرورش تخیل می‌تواند به انسان توان تغییر و تحول بدهد. فردی باهوش معنوی بالا دارای انعطاف، خودآگاهی، ظرفیتی برای روبه‌رو شدن با دشواری‌ها و سختی‌ها و فراتر از آن رفتن، نگرش کل‌نگری به جهان هستی، در جست‌جوی پاسخی برای پرسش‌های بنیادی زندگی و نقد سنت‌ها و

^۱ spiritual intelligence

^۲ Zohar D., Marshall I.

آداب‌ورسوم است (ایمونس^۱، ۲۰۰۰). چنانچه توانایی برای سود جستن از منابع معنوی را به‌عنوان یک هوش قلمداد کنیم، پس این توانایی بایستی در حل مسائل زندگی و رسیدن افراد به اهداف کمک نماید و منجر به عملکرد بهتر آنان گردد (سیسک و تورنس^۲، ۲۰۰۱). بدین‌سان، احساس‌های معنوی تکمیل‌کننده و معنا دهنده بخش‌های گوناگون زندگی انسان است. در این راستا، پژوهشگران نشان دادند که بین هوش معنوی با توانمندسازی روان‌شناختی (ترابی، مقیمی و موناوریان، ۲۰۱۲)، برون‌گرایی و باوجدان بودن (فرامزی، همایی و حسینی، ۱۳۸۸)، رضایت از زندگی و سلامت (جورج، لارسونز، کوینگ و مک کالوگ^۳، ۲۰۰۰) و شادکامی (بابانظری، عسکری و مهربانی زاده هنرمند، ۲۰۱۲) رابطه وجود دارد. باید دانست بررسی علمی شخصیت، متضمن تلاشی منظم در کشف و تبیین الگوهای فکری، عاطفی و رفتاری افراد در زندگی روزمره است (شینر و دی یانگ^۴، ۲۰۱۳).

رویکردهای متعددی در این زمینه ایجاد گردیده و نظریه‌پردازی نموده‌اند، یکی از این نظریه‌ها که مبتنی بر مطالعات زیست‌شناختی، نوروفیزیولوژیکی، ژنتیک و روان‌شناختی شکل گرفته است، نظریه کلونینجر است (هرابی^۵، ۲۰۱۰). بر اساس نظریه، شخصیت شامل چهار بعد سرشتی (نوجویی^۶، آسیب‌پرهیزی^۷، پاداش‌وابستگی^۸ و پشتکار^۹) و سه بعد منش (خود-راهبردی^{۱۰}، همکاری^{۱۱} و خود-فراروی^{۱۲}) می‌باشد (حق‌شناس، ۱۳۹۳). منظور از عوامل سرشتی، نگرش گسترده فرد در برابر محیط است که زیرپایه‌های زیستی دارند؛ به‌عبارت‌دیگر پاسخ‌های هیجانی خودکار که جنبه وراثتی دارند. در مقابل منش به خودپنداره‌ها و تفاوت‌های فردی در اهداف، ارزش‌ها و انتخاب‌های فرد در زندگی اشاره دارد که در طول زندگی رشد می‌نماید (گاودا، پروچویز و سلا^{۱۳}، ۲۰۱۵). صفات شخصیت از طریق اثرگذاری بر تفسیر فرد از رویدادهای

¹ Emmons, R. A.

² Sisk, D. A., & Torrance, E. P.

³ George LK, Larsons DB, Koeing HG, Mccullough ME.

⁴ Shiner, R. L., DeYoung, C.G.

⁵ Hruby R.

⁶ Novelty seeking

⁷ Harm avoidance

⁸ Reward dependent

⁹ persistence

¹⁰ Self-directiveness

¹¹ Co-operativeness

¹² Self-transcendence

¹³ Gawęda, L., Prochwicz, K., & Cella, M.

محیطی، فرایند انطباق و سلامت روان‌شناختی و جسمی را تسهیل و یا تخریب می‌نماید (بوچارد و لوهلین، ۲۰۰۱). شایسته است مطرح نماییم که امروزه علم روانشناسی از تمرکز صرف بر آسیب‌شناسی فاصله گرفته و رویکرد روانشناسی مثبت‌نگر در سرلوحه کار پژوهشگران این عرصه قرار گرفته است که یکی از این سازه‌ها، جهت‌گیری زندگی است. (هایز و جوزف^۱، ۲۰۰۳).

جهت‌گیری زندگی^۲ به دیدگاه و نگرش کلی فرد نسبت به زندگی و رویدادهایی اشاره دارد که برای وی اتفاق افتاده است و یا در آینده اتفاق خواهد افتاد و منعکس‌کننده تفاوت‌های فردی در خوش‌بینی و بدبینی است. خوش‌بینی تحت عنوان انتظار عمومی رخ دادن چیزهای مثبت در زندگی تعریف می‌گردد که با بهزیستی جسمی و روان‌شناختی مرتبط است و یک خصیصه مهم سازگاری در تحول انسان می‌باشد به گونه‌ای که بر اساس آن، افراد انتظار دارند که در زمان‌های غیرممکن و نامشخص، بهترین باشند (اسمیت و مک‌کنزی^۳، ۲۰۰۶). باید گفت که خوش‌بینی به‌عنوان یک تعدیل‌کننده مهم در راستای نقش منفی فشار روان‌شناختی و سیستم ایمنی نقش حیاتی دارد (سگرستون^۴، ۲۰۰۵ و مان و چنگک^۵، ۲۰۱۰). کلونینجر و زوهر^۶ (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای ارتباط بین ابعاد منش و جنبه‌های سلامتی و شادکامی را مورد بررسی قرار دادند و دریافتند که خودراهبردی ارتباط معناداری با شادکامی، رضایتمندی از زندگی، سلامت عمومی و حمایت اجتماعی ادراک‌شده دارد، همکاری ارتباط معناداری با حمایت اجتماعی ادراک‌شده و خودفراروی ارتباط معناداری با هیجانات مثبت و ارتباط منفی با هیجانات منفی دارد. با توجه به مطالب مطرح‌شده فوق، هدف اساسی مطالعه حاضر این است که آیا هوش معنوی بر اساس ابعاد سرشت و منش و جهت‌گیری زندگی قابل پیش‌بینی است؟

روش

مطالعه حاضر از نمونه پژوهش‌های همبستگی است. جامعه آماری پژوهشی حاضر را تمامی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ تشکیل می‌دهند که با توجه به حجم نمونه از طریق فرمول کوکران، ۱۳۰ نفر (۴۳ پسر و ۸۷ دختر) با روش نمونه‌گیری

¹ Hayes, N., & Joseph, S.

² Life orientation

³ Smith, T.W., MacKenzie, J.

⁴ Segerstrom, S.C.

⁵ Man & Cheung

⁶ Cloninger, C.R., Zohar, A.H.

تصادفی انتخاب شدند.

ابزار

پرسشنامه شخصیت کلونینجر. این پرسشنامه، توسط کلونینجر (۱۹۹۴) برای اندازه‌گیری سرشت و منش اکتسابی ساخته شده و دارای ۱۲۵ سؤال است و هر آزمودنی به این سؤالات به صورت صحیح و غلط پاسخ می‌دهد. در این پرسشنامه، سرشت (نوجویی، اجتناب از آسیب، وابستگی به پاداش و پشتکار) و منش (خود راهبردی، همکاری و خود فراروی) را در برمی‌گیرد. کایوانی و پورناصح (۱۳۸۴) ضرایب همسانی درونی این پرسشنامه را در مقیاس‌های هفت‌گانه در دامنه ۰/۵۵ تا ۰/۸۰ و ضرایب اعتبار بازآزمایی در دامنه ۰/۷۳ تا ۰/۹۰ گزارش نمودند. هم‌چنین بین ابعاد سرشت و منش، همبستگی خود راهبردی و آسیب‌پرهیزی، بالاتر از ۰/۴۰ بود و تنها همبستگی بالاتر از ۰/۴۰ بین ابعاد سه‌گانه منش، مربوط به خود راهبردی و همکاری بود. نتایج مربوط به همبستگی بین مقیاس‌ها نشانگر آنکه همبستگی معنی‌دار بالاتر از ۰/۴۰ بین نوجویی، آسیب‌پرهیزی، پاداش و وابستگی و پشتکار وجود ندارد که نشان‌دهنده این است که این چهار بعد سرشتی از یکدیگر مستقل هستند.

آزمون جهت‌گیری زندگی. این پرسشنامه توسط شیر و کارور (۱۹۸۵) طراحی گردید که تفاوت‌های فردی را در خوش‌بینی و بدبینی موردسنجش قرار می‌دهد. این مقیاس ۸ گویه‌ای، میزان انتظارات افراد را راجع به پیامدهای زندگی ارزیابی می‌کند. هریک از گویه‌ها بر اساس مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت درجه‌بندی می‌شود (رحیمیان بوگر، ۱۳۹۲). جهت تعیین روایی همگرای آزمون در ایران از همبستگی این آزمون با مقیاس ۵ عاملی ناامیدی بک استفاده گردید. معناداری عامل اول، چهارم، پنجم و نمره کلی مقیاس ناامیدی بک با مقیاس مذکور، نشانگر اعتبار قابل قبول این پرسشنامه است. هم‌چنین پایایی بازآزمایی این ابزار با فاصله ۱۰ روز با اعتبار ۰/۷۰ محاسبه گردید (موسوی نسب و تقوی، ۱۳۸۵).

پرسشنامه هوش معنوی. این پرسشنامه توسط کینگ (۲۰۰۸) به منظور سنجش توانایی ذهنی هوش معنوی ساخته است که دارای ۲۴ عبارت است و توانایی‌های مربوط به هوش معنوی را در چهار بعد توانایی تفکر انتقادی وجودی، تولید معنای شخص، آگاهی متعادلی و بسط هشیاری به صورت پنج‌درجه‌ای لیکرت مورد ارزیابی قرار می‌دهد. آقایی بابایی و همکاران (۱۳۸۹) در

پژوهشی به منظور بررسی ویژگی‌های سنجشی این پرسشنامه ضریب پایایی کل آزمون را ۰/۸۸ گزارش کردند. همچنین به منظور بررسی اعتبار همگرایی پرسشنامه خود سنجی هوش معنوی همبستگی آن را با آزمون جهت گیری مذهبی با تکیه بر اسلام و مقیاس خودارزیابی معنویت به ترتیب ۰/۳۵ و ۰/۴۴ به دست آوردند.

یافته‌ها

بر اساس نتایج پژوهش حاضر، میانگین سنی دانشجویان شرکت کننده در مطالعه حاضر ۳۱/۰۸ (انحراف معیار ۷/۳۳) می‌باشد و از نظر میزان تحصیلات اکثریت آزمودنی‌ها در هر دو گروه دارای مدرک کارشناسی ارشد بودند. در راستای هدف مطالعه حاضر، ابتدا ضرایب همبستگی پیرسون محاسبه گردید که نتایج مربوط به آن در جدول ۱ ارائه گردیده است.

جدول ۱- شاخص‌های توصیفی و ضرایب همبستگی پیرسون متغیرها

متغیر	M	SD	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱. نوجویی	۸/۹	۳/۱	۱							
۲. آسیب‌پرهیزی	۷/۵	۲/۵	-۰/۳۸**	۱						
۳. پاداش‌وابستگی	۸/۹	۲/۵	-۰/۳۳**	-۰/۳۳**	۱					
۴. پشتکار	۳/۳	۱/۱	-۰/۳۶**	-۰/۴۵**	۰/۳۵**	۱				
۵. همکاری	۱۶/۲	۴	-۰/۴۰**	۰/۴۸**	۰/۳۱**	۰/۴۷**	۱			
۶. خودراهبردی	۱۵	۵/۲	-۰/۴۴**	-۰/۵۳**	۰/۲۸**	۰/۶۳**	۰/۴۱**	۱		
۷. خودفراروی	۹/۶	۲/۸	-۰/۴۱**	-۰/۴۳**	۰/۳۶**	۰/۵۳**	۰/۳۴**	۰/۴۹**	۱	
۸. جهت‌گیری زندگی	۱۴/۹	۳/۱	۰/۱۸	-۰/۲۴*	۰/۲۶*	۰/۲۵*	۰/۲۰*	۰/۳۳**	-۰/۳۵**	۱
۹. هوش معنوی	۶۲/۶	۱۱/۴	۰/۱۶	-۰/۲۰*	۰/۲۳*	۰/۲۱*	۰/۱۸	۰/۳۰**	۰/۳۷**	-۰/۳۳**

بر اساس نتایج مندرج در جدول ۱ می‌توان گفت که بین هوش معنوی با ابعاد پاداش‌وابستگی و پشتکار همبستگی مثبت معنادار و با آسیب‌پرهیزی همبستگی منفی معنادار در سطح ۰/۰۵ وجود دارد. همچنین بین هوش معنوی با خودراهبردی، خودفراروی و جهت‌گیری زندگی در سطح ۰/۰۱ همبستگی مثبت معنادار وجود دارد. در ادامه جهت تعیین نقش متغیرهای پیش‌بین (ابعاد سرشت و منش و جهت‌گیری زندگی) در تبیین هوش معنوی از رگرسیون گام‌به‌گام استفاده گردید که نتایج آن در جدول ۲ ارائه گردیده است.

جدول ۲- نتایج تحلیل رگرسیون هوش معنوی از روی ابعاد سرشت و منش و جهت‌گیری زندگی

مدل	SS	df	MS	F	P		
رگرسیون	۱۴۸/۰۲	۳	۴۹/۳۴	۱۶/۸۱	۰/۰۱		
باقیمانده	۲۶۸/۲۸	۱۲۴	۲/۹۷				
متغیرهای پیش‌بین	R	R ²	B	SE	Beta	t	P
خودفراروی	۰/۳۷	۰/۱۴	۰/۱۳۸	۰/۰۸۶	۰/۳۹۱	۶/۶۷	۰/۰۱
جهت‌گیری زندگی	۰/۴۸	۰/۲۳	۰/۱۱۷	۰/۰۹۳	۰/۳۴۹	۵/۳۹	۰/۰۱
خودراهبردی	۰/۵۶	۰/۳۱	۰/۱۰۲	۰/۰۹۶	۰/۲۲۴	۴/۷۳	۰/۰۱

مبتنی بر نتایج جدول ۲ می‌توان مطرح نمود که در مطالعه حاضر دو بعد خودفراروی و خودراهبردی از ابعاد سرشت و منش و متغیر جهت‌گیری زندگی به‌طور معناداری هوش معنوی را پیش‌بینی می‌نمایند. در این راستا، ۳۱ درصد واریانس هوش معنوی توسط متغیرهای مذکور تبیین می‌گردند که سهم خودفراروی ۱۴ درصد، جهت‌گیری زندگی ۹ درصد و خودراهبردی ۸ درصد بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اساسی مطالعه حاضر، پیش‌بینی هوش معنوی بر اساس ابعاد سرشت و منش و جهت‌گیری زندگی است. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بین هوش معنوی با ابعاد پاداش وابستگی، پشتکار خودراهبردی، خودفراروی و جهت‌گیری زندگی همبستگی مثبت معنادار و با آسیب‌پذیری همبستگی منفی معنادار وجود دارد این یافته با نتایج پژوهش‌های کلونینجر و زوهر (۲۰۱۱) و ترابی مقیمی و موناوریان (۲۰۱۲) همسو است. نیز نتایج رگرسیون حاکی از این مطلب بود که دو بعد خودفراروی و خودراهبردی از ابعاد سرشت و منش و متغیر جهت‌گیری زندگی به‌طور معناداری هوش معنوی را پیش‌بینی می‌نمایند. خود-فراروی بر پایه مفهوم از خویشتن به‌عنوان بخشی از جهان و منابع پیرامون آن مطرح شده است که با پنداره‌های حضور رازگونه، ایمان مذهبی و متانت و صبوری غیر مشروط همراه است (کیم، لی و لی^۱، ۲۰۱۳). افراد با نمرات بالا در خود فراروی، اخلاقی، بصیر، معنوی، بی‌تکلف و متواضع هستند و خود را به‌صورت بخشی یکپارچه با جهان هستی می‌انگارند. افراد با نمرات پایین، عمل‌گرا، مادی، عینی، مسلط بر زندگی شخصی و

¹ Kim, J. W., Lee, H. K., Lee, K.

در عین حال پر مدعا هستند. بعد خود-راهبردی بر پایه پنداشت از خویشتن به عنوان یک فرد مستقل که دارای زیر مجموعه‌های وحدت، احترام، عزت، تأثیربخشی، رهبری و امید است، تعریف شده است. نمره بالا در بعد خود-راهبردی، نشانگر منش قوی، مسئولیت‌پذیری، بلوغ کافی و توانایی در انسجام‌بخشی و هدایت امور زندگی فردی می‌باشد و به‌صورتی واقعی با خود و جهان مواجه می‌شوند (شوراکیک و کلونینجر^۱، ۲۰۱۲).

همچنین باید گفت خوش‌بینی مثبت بودن سطحی نیست، بلکه این افراد نقشه‌هایی برای فعالیت خود طراحی نموده و طبق آن عمل می‌کنند و در برابر حوادث فشارزای زندگی مواجهه منطقی دارند و از سلامت مطلوب‌تری برخوردارند. مثبت بودن، صمیمی بودن، انعطاف‌پذیری، خردورزی، مهربانی، سخاوت، همدلی، نوع‌دوستی، قابلیت اعتماد و اتکا بودن و منطقی و آرام بودن از ویژگی‌های مهم آن است که موجب ارتقاء سلامت و بهزیستی روان‌شناختی افراد گردیده و در شرایط روبرو شدن با مسائل و مواجهه با انواع فشارهای روان‌شناختی از سبک‌های حل مسئله سازنده استفاده می‌نمایند که نشانگر اعتقاد فرد به خویشتن در حل مشکلات، برنامه‌ریزی و کاربرد راه‌حل‌های گوناگون، نگرش مثبت و مواجهه مستقیم با مسائل است (پترسون^۲، ۲۰۰۰). همبستگی این مؤلفه‌ها با هوش معنوی و پیش‌بینی واریانس آن بر اساس ویژگی‌هایی که مطرح گردید چندان دور از ذهن نیست، چراکه هوش معنوی نشان‌دهنده مسائل معنایی و ارزشی است و ظرفیت سازگاری روان‌شناختی را در برمی‌گیرد و بر جنبه‌های غیرمادی بنا نهاده شده است و دربرگیرنده منابع معنوی، ارزش‌ها و ویژگی‌هایی است که عملکرد سلامت روان‌شناختی افراد را افزایش می‌دهد. مذهب شامل رهنمودهایی برای زندگی و ارائه‌دهنده سامانه باورها و ارزش‌هاست که می‌تواند زندگی افراد را متأثر سازد. از لحاظ درون فردی، اعمال مذهبی، فرد را قادر می‌سازد تا از لحاظ فیزیولوژیکی، شناختی و عاطفی خشمش را کنترل کند و به او کمک می‌کند که مسئولیت اعمال خود را در بپذیرد. تجربه‌های معنوی، بینشی ژرف پدید می‌آورد که چشم‌اندازهایی نو و تازه به زندگی باز می‌کند که این امر شخص را قادر می‌سازد که از عهده کارها به‌خوبی برآید (زوهر و مارشال، ۲۰۰۰).

^۱ Svrakic, D. M. & Cloninger, C. R.

^۲ Peterson, C.

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که هوش معنوی به‌عنوان زیربنای باورهای فرد، نقش اساسی در زمینه‌های گوناگون به‌ویژه در ارتقای سلامت روان دارد و هرگونه تلاش در راستای شناخت هوش معنوی و اثرات دیگر مؤلفه‌های روان‌شناختی بر آن، می‌تواند زمینه تحول در ابعاد عینی رفتار افراد در موقعیت‌های مختلف را نوید دهد و بر اساس نتایج مطالعه حاضر می‌توان اذعان داشت که دارا بودن برخی ویژگی‌های شخصیتی می‌تواند به عملکرد مطلوب‌تر هوش معنوی افراد منجر گردد تا به‌گونه‌ای خلاق راه‌حل‌هایی تازه برای مسائل زندگی خود برگزیند. ازجمله محدودیت‌های مطالعه حاضر، می‌توان به محدود بودن جامعه آماری اشاره نمود که در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت انجام گرفت، همچنین پرسشنامه‌های به کار گرفته شده در این پژوهش بومی نبوده است، بنابراین در تعمیم یافته‌ها، می‌بایست جانب احتیاط را داشت. پیشنهاد می‌گردد که با توجه به فرهنگ ایرانی اسلامی و پذیرش مقوله‌های معنوی و نیز جدید بودن بحث هوش معنوی، پژوهش‌های گسترده‌تری در این زمینه انجام گیرد، همچنین پیشنهاد می‌گردد که برنامه‌هایی در خصوص ارتقاء هوش معنوی دانشجویان در نظر گرفته شود.

منابع

- آقابابایی، ناصر؛ فراهانی، حجت‌الله و فاضلی مهرآبادی، علیرضا (۱۳۸۹). بررسی ویژگی‌های سنجی پرسشنامه خودسنجی هوش معنوی، مجله علوم روان‌شناختی، ۳۴، ۱۸۰-۱۶۹.
- حق شناس (۱۳۹۳). روانشناسی شخصیت. چاپ سوم، شیراز: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی شیراز.
- رحیمیان بوگر، اسحق (۱۳۹۲). نقش پیش‌بین شادکامی، خوش‌بینی و وضعیت جمعیت شناختی در اقدام به رفتارهای مرتبط با سلامت. دانش و تندرستی، ۱۸(۱)، ۱۷-۲۳.
- سهرابی، فرامرز و ناصری، اسماعیل (۱۳۸۹). بررسی مفهوم و مؤلفه‌های هوش معنوی و ساخت ابزاری برای سنجش آن. پژوهش در سلامت روان‌شناختی. ۳(۴)، ۷۷-۷۰.
- فرامرزی، سالار؛ همایی، رضا و حسینی، محمد سلطان. (۱۳۸۸). بررسی رابطه هوش معنوی و هوش هیجانی دانشجویان. فصلنامه مطالعات اسلام و روان‌شناسی، ۳(۵)، ۲۳-۷.
- کاوایی (۱۳۸۶). نظریه زیستی شخصیت. چاپ دوم، تهران: انتشارات مهر کاویان.
- کاوایی، حسین و پورناصر، مهرانگیز (۱۳۸۴). اعتباریابی و هنجارسنجی پرسشنامه سرشت و منش کلونینجر در جمعیت ایرانی. مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران، ۶۳(۲)، ۹۸-۸۹.
- موسوی نسب، سید محمد حسین و تقوی، سید محمد رضا (۱۳۸۵). خوش‌بینی - بدبینی و راهبردهای کنار آمدن: پیش‌بینی سازگاری روان‌شناختی در نوجوانان. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، ۱۲(۴)،

- Babanazari, L., Askari, P. & Mehrabizade Honarmand, M. (2012). Spiritual Intelligence and Happiness for Adolescents in High School. *Life Science Journal*, 9(3), 2296-9.
- Bouchard, T.J., Jr. & Loehlin, J.C. (2001). Genes, evolution, and personality. *Behavior Genetics*, 31, 243-273.
- Cloninger, C. R., Zohar, A. H. (2011). Personality and the perception of health and happiness. *Journal of affective disorders*, 128(1), 24-32.
- Gawęda, Ł., Prochwicz, K., & Cella, M. (2015). Cognitive biases mediate the relationship between temperament and character and psychotic-like experiences in healthy adults. *Psychiatry Research*, 225(1), 50-57.
- Emmons, R.A. (2000). Is Spirituality an intelligence ? Motivation, Cognition, and the psychology of ultimate Concern. *The International Journal for the psychology of Religion*, 10 (1), 3- 26.
- George, L.K., Larsons, D.B., Koenig, H.G. & McCullough, M.E. (2000). Spirituality and health: What we know, what we need to know. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 19(1), 102-16.
- Hayes, N. & Joseph, S. (2003). Big 5 correlates of three measures of subjective well-being. *Personality and Individual Differences*, 34, 723-727.
- Hruby R. (2010). Personality and its Importance for Treatment in Psychiatry. *Activitas Nervosa Superior Rediviva*, 52(2), 114-118.
- Kim, J.W., Lee, H.K. & Lee, K. (2013). Influence of temperament and character on resilience. *Comprehensive Psychiatry*, 54(7), 1105-1110.
- King, D.B. (2008). Rethinking claims of spiritual intelligence: A definition, model, and measure. A dissertation presented in partial fulfillment of the requirements for the degree of Master of Science, Peterborough, Ontario, Canada.
- Man, F. M. & Cheung, S. F. (2010). The role of meaning in life and optimism in promoting well-being. *Personality and Individual Difference*, 48, 658-663.
- Peterson, C. (2000). The future of optimism. *American psychological*, 55(1), 44-55.
- Segerstrom, S.C. (2005). Optimism and immunity: do positive thoughts always lead to positive effects? *Brain, Behavior, and Immunity*, 19, 195-200.
- Shiner, R. L., De Young, C.G. (2013). The structure of temperament and personality traits: A developmental perspective. New York: Oxford University Press.
- Sisk, D.A. & Torrance, E.P. (2001). *Spiritual Intelligence: Developing higher consciousness*. Buffalo, New York: Creative Education Foundation Press.
- Smith, T.W., MacKenzie, J. (2006). Personality and risk of physical illness. *Annual Review of Clinical Psychology*, 2, 435-467.
- Svrakic, D.M. & Cloninger, C. R. (2012). Pharmacotherapy and the Psychobiological Model of Personality: Implications for DSM-5. *Current Psychopharmacology*, 1, 122-136.
- Torabi, M., Moghimi, S. M. & Monavarian, A. (2013). Investigating the Relation between Spiritual Intelligence and Psychological Empowerment among Nurses of Faghihi Hospital. *International Journal of Economy, Management and Social Sciences*, 2(8), 539-548.
- Zohar, D. & Marshall, I. (2001). *Spiritual Intelligence: The Ultimate Intelligence*. New York: Bloomsbury Publishing PLC.